

صندوق احیای بناهای تاریخی طرح مرمت طبقه دوم میدان نقش جهان را تأیید کرد

احیای پرخطر در قلب میراث جهانی

کنشگر میراث هشدار داد: نهادی که حتی توان حفاظت از فضاها را ندارد چگونه قصد دارد فضایی به این حساسیت را به روی تردد عمومی بگشاید

خبر

بارندگی تنهاره احیای ارومیه نیست

رئیس سازمان هواشناسی کشور چالش اصلی دریاچه ارومیه را مدیریت منابع ورودی آب دانست و مشکل این پهنه آبی صرفاً با بارش حل نخواهد شد. «سحرتاجبخش» با اشاره به تشدید بحران آب در کشور بیان کرد: «بحران آب امروز یکی از اصلی‌ترین مسائل کشوراست وبر همین اساس، موضوعات مرتبط با هواشناسی در کانون توجه و اهمیت قرار دارد.»

او افزود: «طی پنج تا شش سال گذشته، کشور به‌طور جدی درگیر خشکسالی بوده و تأمین بخشی از آب شرب به منابع آب زیرزمینی وابسته است. شرایط خشکی در اغلب مناطق کشور حاکم است ودر سال آبی جاری از اول مهرماه ۱۴۰۳ تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۴ به جز یک‌دو هفته اخیر شرایط بارشی مطلوبی نداشتیم و بارش‌ها بیش از ۸۰ درصد کمتر از حد نرمال بوده‌است.»

رئیس سازمان هواشناسی کشور با اشاره به تغییر الگوهای جوی از نیمه‌آذرمه‌ای گفت: «از نیمه‌آذرمه‌ای با ورود سامانه‌ها و الگوهای پاییزی و زمستانی، شرایط تا حدی هموار شد و سامانه‌های بارشی از بخش‌های غربی کشور آغاز به فعالیت کردند. سامانه فعلی نیز بخش‌هایی از فلات مرکزی و جنوب کشور را تحت‌تأثیر قرار داده‌است.»

تاجبخش ادامه داد: «شرایط بارشی نسبتاً خوبی در چند استان جنوبی کشور گزارش شده است و انتظار می‌رود این سامانه تا روز جمعه (۲۸ آذرماه) فعال باشد. بیشترین میزان بارش از ایستگاه‌های جزیره الوان و بندر خمیر گزارش و تاکنون در جزیره الوان ۱۵۱ میلی‌متر بارش ثبت شده است.» او با اشاره به وضعیت جوی مناطق شرقی کشور نیز گفت: «صبح امروز در بخش‌هایی از خراسان بارش و در مناطق مرتفع بارش برف گزارش شده است و با تقویت یک چرخند دیگر سمت همسایگان جنوبی ایران، بارش‌ها تا روز جمعه ادامه خواهد داشت.» رئیس سازمان هواشناسی کشور با بیان اینکه طی امروز تا یکشنبه یا دوشنبه هفته آینده کاهش دما در کشور رخ خواهد داد، تصریح کرد: «این کاهش دما از منظر تأمین حامل‌های انرژی اهمیت دارد و در همین رابطه هم در حوزه حامل‌های انرژی و هم در بخش کشاورزی هشدار سطح نازنجی صادر شده است.» تاجبخش در ادامه به وضعیت دریاچه ارومیه گفت: «چالش دریاچه ارومیه را فارغ از بارش‌ها باید در مدیریت آب ورودی در نظر داشت. اگرچه در این منطقه بارش‌هایی رخ داده است، اما در صورت تأمین نشدن منابع آب ورودی و حقایه، جبران مشکلات دریاچه ارومیه صرفاً با بارش امکان‌پذیر نیست. مسئله اصلی به مدیریت منابع آبی بازمی‌گردد.» او افزود: «در استان‌های شمال‌غرب کشور از جمله اردبیل، در سامانه اخیر فعالیت بارشی قابل‌توجهی نداشتیم، هرچند در سامانه قبلی در حوضه دریاچه ارومیه بارش‌هایی ثبت شد. باین‌حال، چالش اصلی ارومیه مدیریت منابع آب است.»

رئیس سازمان هواشناسی کشور همچنین با اشاره به کاهش تراز دریای خزر گفت: «کاهش تراز دریای خزر نیز شرایط مشابهی دارد. در کنار تغییر اقلیم و کم‌بارشی، افزایش تبخیر و احتمال تأمین نشدن ورودی‌ها در این مسئله مؤثر بوده است. بررسی کاهش تراز دریای خزر در دستورکار قرار دارد و در همین زمینه تفاهم‌نامه‌ای با قزاقستان امضا شده است تا هواشناسی دو کشور همکاری‌های بیشتری در این زمینه داشته باشند.»

تاجبخش دربارهٔ پیش‌بینی وضعیت بارش‌ها اظهار کرد: «براساس نقشه‌های فعلی، انتظار می‌رود بارش‌های زمستانه کشور در محدوده نرمال باشد، اما به‌دلیل خشکسالی‌های انباشته‌شده در هفته‌ها و ماه‌های گذشته، همچنان با خشکسالی‌های کشاورزی و آب‌شناسی مواجه‌ایم؛ حتی در صورت وقوع بارش‌های مناسب نیز خشکسالی‌های آب‌شناسی به‌طور کامل جبران نخواهد شد.» رئیس سازمان هواشناسی کشور دربارهٔ تهیه الگوهایی برای ارایه به سازمان‌ها و انگذاری بر مواردی مانند الگوی کشت گفت: «اطلاع‌رسانی‌ها بر اساس اختلاف از نرمال در پیش‌بینی بارش انجام می‌شود و این اطلاعات در اختیار شورای عالی آب به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان الگوی کشت را تعریف کرد.» تاجبخش تأکید کرد: «هرچه بازه زمانی پیش‌بینی بلندتر می‌شود، میزان پیش‌بینی‌پذیری کاهش می‌یابد بنابراین در حوزه تصمیم‌گیری لازم است سناریوهای مختلفی برای شرایط کم‌بارشی یا پربارشی در نظر گرفته شود. دقت پیش‌بینی‌های بلندمدت هواشناسی تا حدود ۷۰ درصد برآورد می‌شود.» تاجبخش دربارهٔ بارورسازی ابرها بیان کرد: «بارورسازی ابرها اساساً کاری علمی است که در دنیا انجام می‌شود، اما پژوهشی دربارهٔ اینکه کمبود منابع آب را مدیریت یا حل کند، وجود ندارد. بارورسازی ابرها در بسیاری کشورهای دنیا در مراحل تحقیقاتی است. انجام بارورسازی ابرها تنها در حوزه تحقیقات و پژوهش اشتباه نیست.»

او دربارهٔ تأثیر ذراتی که برای بارورسازی ابرها به کار گرفته می‌شود، گفت: «اساساً خاصیت ذراتی که در بارورسازی استفاده می‌شود، جذب رطوبت و رشد و شکل دادن به قطرات آب است تا موجب ریزش قطرات شود.» رئیس سازمان هواشناسی دربارهٔ مضرات به‌کارگیری این مواد گفت: «اساساً نقره در صورت عبور از سطح مجاز سمی از آنجا بنابر این اگر از حد استاندارد خارج شود موجب ایجاد مشکل زیست‌محیطی خواهد شد.» ایسنا



دریاچه ارومیه



فعالان محلی استان‌های جنوبی در گفت‌وگو با «پیام ما» از مرگ دو کودک در فارس و هرمزگان خبر دادند

جنوب ایران غرق در سیلاب

هشدار قرمز هواشناسی به استان‌های جنوبی کشور برای ورود یک سامانه بارشی فعال، مانع از وقوع سیلاب، آبگرفتگی معابر و اختلال در زندگی روزمره شهروندان این استان‌ها نشد. این درحالی‌است که فعالیت این سامانه تا زمان نگارش این گزارش به تاریخ ۲۶ آذرماه ادامه دارد و ممکن است استان‌های دیگری نیز درگیر سیلاب شوند.



ایاسر مختاری |

روزنامه‌نگار |

سازمان هواشناسی کشور از اوایل هفته جاری هشدار قرمز برای چهار استان جنوبی کشور صادر کرد و از خطر سیلاب و آبگرفتگی در این استان‌ها خبر داد. با ورود سامانه بارشی از جنوب کشور استان‌های بوشهر، فارس، هرمزگان درگیر بارش سنگین باران شدند و استان کرمان نیز شاهد بارش برف بود. گزارش‌های مختلف از استان‌های جنوبی حاکی وقوع سیلاب و آبگرفتگی در مناطق شهری و روستایی و اختلال در زندگی شهروندان این استان‌ها حکایت می‌کند.

یک کودک قربانی سیلاب هرمزگان

به‌گفته یک فعال اجتماعی در بندرعباس بارش‌ها از غرب استان هرمزگان آغاز و با حرکت آن به‌سوی شرق تمامی مناطق این استان را تحت پوشش خود قرار داد. «مسعود محمدی» در گفت‌وگو با «پیام‌ما» اظهار کرد: «بخش‌های وسیعی از این استان از غرب تا شرق با آبگرفتگی و طغیان رودخانه‌های فصلی مواجه شدند. در یکی از مناطق حادثه‌خیز استان در «بندر خمیر»، مادری به‌همراه دو فرزندش به داخل آب سقوط کرد که با تلاش خود یکی از کودکان را نجات داد، اما کودک دیگر از دست او رها و در سیلاب غرق شد. پیکر این کودک امروز توسط نیروهای امدادی پیدا شد.»

به‌گفته او، بارندگی‌ها پس از غرب استان، جزایر «قشم» و «کیش» و درنهایت شهر «بندرعباس» را در بر گرفت. در بندرعباس با وجود انجام لایروبی‌ها، شدت بارش‌ها موجب آبگرفتگی گسترده معابر شد: «برخلاف سال‌های گذشته حادثه جانی گسترده‌ای گزارش نشده و تلفات انسانی ناشی از گرفتار شدن خودروها در رودخانه‌های فصلی به ثبت نرسیده است.»

این فعال اجتماعی همچنین از بروز اختلال در برق‌رسانی جزیره قشم خبر داد و گفت: «برای حدود هشت تا ۹ ساعت برق این جزیره قطع بود؛ هم‌اکنون مشکل برطرف شده است.»

محمدی افزود: «در سطح استان، میزان بارندگی تقریباً یکنواخت است و اغلب شهرها و روستاها با آبگرفتگی مواجه‌اند، هرچند در شهرهایی مانند بندرعباس به‌دلیل بافت شهری و ماندگاری آب، مشکلات بیشتر است. مناطق بافت فرسوده، خانه‌های دارای سقف‌های گلی و پل‌ها.»
شده‌اند»
گوشیه‌های حاشیه کوه‌ها بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند.»

او یادآور شد: «با حرکت سامانه بارشی به‌سمت شرق استان، شدت بارش‌ها در مناطقی مانند میناب کاهش

پیام خبر

می‌شود. تنها در نقاطی که به‌دلیل شیب‌بندی نامناسب آسفالت حالت کاسه‌ای دارند، آب ماندگارتر است و تخلیه کامل آن ممکن است چند ساعت به طول بینجامد. در حال حاضر جریان رواناب در بسیاری از خیابان‌های بندرعباس قابل‌مشاهده است، اما این آب‌ها در حال تخلیه‌اند و خطر ماندگاری طولانی‌مدت در اغلب معابر وجود ندارد. باین‌حال، در شهرک‌ها و مناطقی که به‌دلیل دیواره‌ها و حریم‌های مصنوعی محصور شده‌اند، احتمال تجمع آب بیشتر است و در برخی موارد نیاز به تخلیه دستی یا مداخله ماشین‌آلات شهری احساس می‌شود.»

*** چهار شهرستان بوشهر درگیر سیلاب**

خطر ورود سیلاب در پی شدت بارش‌ها در شهرستان‌های «دیر»، «کنگان»، «جم» و «عسلویه» استان بوشهر موجب شد مدیریت بحران این استان از مجازی شدن فعالیت‌های آموزشی در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه خبر دهد. به‌گزارش ایلنا، «کورش دهقان» اعلام کرد: «این تصمیم با توجه به پیش‌بینی تشدید بارندگی‌ها و احتمال جاری شدن سیلاب و آبگرفتگی معابر در مناطق شهری و روستایی، به‌منظور پیشگیری و کاهش خطرات احتمالی، اتخاذ شده است.»

در همین حال یک منبع محلی به «پیام ما» از وقوع آبگرفتگی در شهرستان‌های «دیر»، «کنگان»، «جم» و «عسلویه» خبر داد.

به‌گفته او، این سامانه به جاده سیراف–جم و همچنین، جاده عسلویه خسارت‌هایی وارد کرد و موجب قطعی برق در برخی از مناطق این استان شد. از خسارت‌های جانی و مالی در این استان گزارشی وجود ندارد.

یک کشته در قیر و کارزین

در استان فارس هشدارها از روز دوشنبه آغاز شد. با ورود سامانه بارشی به این استان، سه منطقه جنوب، غرب و شمال این استان تحت‌تأثیر این سامانه قرار گرفت. به‌گفته «مهدی خویبار»، معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر استان فارس، به‌دلیل جنس زمین و عدم جذب آب، در شهرهای «لامرد»، «لار»، «مُهر» و «گراش» آبگرفتگی رخ داد.

خویبار در گفت‌وگو با «پیام ما» بیان کرد: «هم‌زمان با بارندگی شدید در جنوب استان، در چپه شمالی فارس نیز بارش برف در روز و شب گذشته گزارش شده است. بیشترین میزان بارندگی مربوط به شهرستان فیروزآباد در غرب استان با ثبت ۱۳۵ میلی‌متر بارش بوده، اما گسترده‌ترین آبگرفتگی‌ها در شهرستان‌های لار، لامرد، مهر و گراش رخ داد که منجر به قطع ارتباط چند روستا شد.»

به‌گفته او، با توجه به اطلاع‌رسانی گسترده، این بارش‌ها تلفات گسترده‌ای در پی نداشته است. باین‌حال، یک مورد فوتی مربوط به کودک هشت‌ساله‌ای در شهرستان «قیر و کارزین» گزارش شد بر اثر سقوط در چاله آب جان خود را از دست داد و پیکرو او توسط نیروهای امدادی پیدا شد. همچنین، در یکی از روستاهای شهرستان گراش، یک دستگاه خودرو بر اثر آبگرفتگی جابه‌جا شد که سرنشینان آن با اقدام به‌موقع نیروهای امدادی نجات یافتند. او یادآور شد: «اغلب حوادث رخ داده در سطح استان از جنس آبگرفتگی بود و شرایط به مرحله سیلاب مخرب نرسید. رئیس سازمان امداد و نجات کشور نیز هم‌اکنون در جنوب استان فارس مستقر شده و از مناطق آسیب‌دیده بازدید میدانی به عمل آورده است.»

خویبار افزود: «شدت بارش‌ها امروز نسبت به روز گذشته کاهش یافته، اما پیش‌بینی‌ها از ورود موج دوم بارندگی با شدت بیشتر در جنوب استان حکایت دارد. باین‌حال، تا این لحظه مشکل حاد و بحرانی گزارش نشده است،»

برف در کرمان

هشدارها برای استان کرمان وقوع کولاک برف را پیش‌بینی می‌کرد. این موضوع موجب شد مدارس در شهرستان جیرفت مجازی شود. همچنین، جاده سیلاب در جاده سیرجان به بندرعباس نیز دچار سیل شد. باین‌حال، «غلامرضا نژادخالقی»، مدیرکل مدیریت بحران استانداری کرمان، با تأکید بر عادی بودن شرایط عمومی استان اعلام کرد: «تنها دو محور ارتباطی مسدود شده و با وجود طغیان برخی رودخانه‌ها، تاکنون سیلاب خسارت‌زا تا بحران جدی گزارش نشده است.»

ضعیت استان‌های جنوبی درحالی‌است روز چهارشنبه، ۲۶ آذرماه، هواشناسی برای ۲۶ استان کشور هشدار صادر کرد. در همین حال، استان‌هایی چون یزد نیز برای بارش برف و احتمال کولاک خود آماده کرده‌اند. از سوی دیگر، در روزهای گذشته برخی مناطق استان مازندران درگیر آبگرفتگی شدند. همچنین، خراسان جنوبی نیز به حالت آماده‌باش درآمده است. پیش‌بینی‌های هواشناسی از تداوم فعالیت این سامانه بارشی و گستردگی آن در بسیاری از مناطق کشور دارد.



کلوک‌ها کسپده‌تر، نیک‌ها پراکنده‌تر و تپه‌های ماسه‌ای سرکش‌تر می‌شوند.
بادی که همیشه سازنده بود، حالا بیشتر ویرانگر می‌شود و شهرها را در آستانه گفت‌وگوی با شرن قرار می‌دهد. زمین اینجا نه آرام که سیالی در حرکت است؛ مرزی میان سکون و کوچ.

اما شاید مهم‌ترین فصل این روایت، فصلی است که در آن انسان که تنها خواننده‌ی این کتاب، که یکی از نویسندگان آن است. ما لایه‌ای تازه بر زمین افزودهایم؛ لایه‌ای که زمین‌شناسان آینده نامش را «نشانه‌های انسان‌زاد» خواهند گذاشت: بتن، آسفالت، پلاستیک، فلزات، رد برداشت‌ها و تخلیه‌ها. این لایه، دفترچه‌ی ناگزی بر بالای دفتر ظفور زمین است؛ اما اثرش بسیار بیش از ضخامتش.

سرزمین سخت‌تر، کم‌آب‌تر و پریرسک‌تر خواهد شد. نه از آن جهت که سرزوشت محموم است؛ بلکه از آن جهت که زمین همیشه پاسخ می‌دهد. پیرشش این است؛ ما چه می‌نویسیم که زمین مجبور نباشد با لرزش، نشست، فرسایش یا خاموشی، جوابمان را بدهد؟

اگر امروز لایه‌های این سرزمین را با احترام بیشتری ورق بزنیم، شاید فردا، به جای گزارش بحران، روایت سازگاری باشد. زیرا زمین، با همه خشونت و صبرش، هنوز به ما فرست می‌دهد که در داستان آینده‌اش شریک خوب باشیم؛ نه مسئول فصل‌های تاریک آن.

۱ سال بیست و یکم | شماره پیاپی ۳۳۰۲ | پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۴ |

خبر

معاون قانون اساسی

معاونت حقوقی ریاست جمهوری:

برگزاری تجمعات نیابد مجوز محور باشد

معاون قانون اساسی معاونت حقوقی ریاست جمهوری درباره اصل ۲۷ قانون اساسی گفت: «طرح وارد جزئیات نشده و هنوز تصویب نهایی نشده و در مجلس در حال بررسی است. ما می‌گوییم مجوز محور نباشد و هدف تسهیل برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها باشد تا مردم بتوانند نظر خود را در حوزه‌های مختلف به حاکمیت و دولت بیان کنند.» با گذشت بیش از چهار دهه از تصویب قانون اساسی، همچنان نحوه اجرای برخی اصول بنیادین مرتبط با حقوق ملت محل بحث و مناقشه است؛ اصولی که اگرچه در متن قانون اساسی با صراحت به آنها اشاره شده، اما در عمل یا با خلأهای قانونی، یا با تفسیرهای محدودکننده و یا با نبود سازوکارهای اجرایی شفاف مواجه‌اند. از اصل ۲۷ قانون اساسی درباره آزادی برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها گرفته تا حقوق شهروندی، نظارت مجلس و مشارکت مردم در اداره امور کشور.

«بیتن عباسی»، معاون قانون اساسی معاونت حقوقی ریاست جمهوری، گفت: «براساس اصل ۲۷ قانون اساسی اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل وسلاح واینکه اختلالی به مبانی اسلام وارد نشود، آزاد است. در دنیا برای این موضوع قانون نوشته شده است. ما دراین‌باره قانون ننوشتیم‌ایم و آیین‌نامه داریم.»

او به پیشینه پیگیری قانونگذاری برای اجتماعات اشاره کرد و گفت: «در سال ۱۳۸۱ آیین‌نامه تضمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌ها در دولت اصلاحات و سلاح واینکه اختلالی به مبانی اسلام وارد نشود، آزاد است. در دنیا برای این موضوع قانون نوشته شده است. ما دراین‌باره قانون ننوشتیم‌ایم و آیین‌نامه داریم.»

عباسی ادامه داد: «در دولت دوم آقای روحانی، در معاونت حقوقی یک لایحه برای اجتماعات و راهپیمایی‌ها تهیه شد، اما آنجا گفتند فعلاً مسکوت بماند. اینکه چه دلایلی داشته است، من اطلاعی ندارم. آن لایحه ۱۲ الی ۱۳ ماده داشت که برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها را تسهیل می‌کرد. در دولت قبل هم یک لایحه به مجلس داده شد که مجوز محور بود و در مجلس این لایحه به طرح تبدیل شد و امروز در مجلس در حال بررسی است.»

معاون قانون اساسی معاونت حقوقی ریاست جمهوری گفت: «وقتی ما حق مشارکت مردم در اداره امور کشور را براساس اصل ششم قانون اساسی پذیرفتیم، باید مردم بتوانند اجتماعات و راهپیمایی‌ها را برگزار کنند و وظیفه دولت این باشد که از امنیت اجتماع‌کنندگان و راهپیمایان حفاظت کند، کسی به این افراد تعرض نکند و حرف خود را در حوزه مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و صنفی بزنند. اصل ۲۷ قانون اساسی می‌گوید فقط باید بدون سلاح باشند و محتوا و هدف اجتماع‌شان به مبانی اسلام اخلال نکند.»

عباسی بحث اخلال و مبانی اسلام بیان کرد: «باید مشخص کنیم بحث اخلال و مبانی اسلام به چه معناست. ما در این زمینه قانونی نداریم که این را مشخص کند و قانونی که وضع شود، باید تکلیف این دورا مشخص‌کند.»

او همچنین در مورد جزئیات طرح گفت: «این طرح وارد جزئیات نشده و هنوز تصویب نهایی نشده و در مجلس در حال بررسی است. ما می‌گوییم مجوز محور نباشد و هدف تسهیل برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها باشد تا مردم بتوانند نظر خود را در حوزه‌های مختلف به حاکمیت و دولت بیان کنند.» با گذشت بیش از چهار دهه از تصویب قانون اساسی، همچنان نحوه اجرای برخی اصول بنیادین مرتبط با حقوق ملت محل بحث و مناقشه است؛ اصولی که اگرچه در متن قانون اساسی با صراحت به آنها اشاره شده، اما در عمل یا با خلأهای قانونی، یا با تفسیرهای محدودکننده و یا با نبود سازوکارهای اجرایی شفاف مواجه‌اند. از اصل ۲۷ قانون اساسی می‌گوید فقط باید بدون سلاح باشند و محتوا و هدف اجتماع‌شان به مبانی اسلام اخلال نکند.»

عباسی بحث اخلال و مبانی اسلام بیان کرد: «باید مشخص کنیم بحث اخلال و مبانی اسلام به چه معناست. ما در این زمینه قانونی نداریم که این را مشخص کند و قانونی که وضع شود، باید تکلیف این دورا مشخص‌کند.»

او همچنین در مورد جزئیات طرح گفت: «این طرح وارد جزئیات نشده و هنوز تصویب نهایی نشده و در مجلس در حال بررسی است. ما می‌گوییم مجوز محور نباشد و هدف تسهیل برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها باشد تا مردم بتوانند نظر خود را در حوزه‌های مختلف به حاکمیت و دولت بیان کنند.» با گذشت بیش از چهار دهه از تصویب قانون اساسی، همچنان نحوه اجرای برخی اصول بنیادین مرتبط با حقوق ملت محل بحث و مناقشه است؛ اصولی که اگرچه در متن قانون اساسی با صراحت به آنها اشاره شده، اما در عمل یا با خلأهای قانونی، یا با تفسیرهای محدودکننده و یا با نبود سازوکارهای اجرایی شفاف مواجه‌اند. از اصل ۲۷ قانون اساسی می‌گوید فقط باید بدون سلاح باشند و محتوا و هدف اجتماع‌شان به مبانی اسلام اخلال نکند.»

عباسی بحث اخلال و مبانی اسلام بیان کرد: «باید مشخص کنیم بحث اخلال و مبانی اسلام به چه معناست. ما در این زمینه قانونی نداریم که این را مشخص کند و قانونی که وضع شود، باید تکلیف این دورا مشخص‌کند.»

صندوق احیای بناهای تاریخی طرح مرمت طبقه دوم میدان نقش جهان را تأیید کرد

احیای پرخطر در قلب میراث جهانی

کنشگر میراث فرهنگی هشدار می‌دهد: نهادی که حتی توان حفاظت از فضاهای موجود را ندارد چگونه قصد دارد فضایی به این حساسیت را به روی تردد عمومی بگشاید



- خبر



اکورش دیباج ا

روزنامه‌نگار

میدان نقش جهان، نه فقط یک اثر تاریخی، بلکه یک نظام پیچیده فرهنگی، معماری و بصری است که هر جزء آن، حتی فضاهایی که در نگاه نخست بلااستفاده به نظر می‌رسند، نقشی تعیین‌کننده در هویت کلی میدان ایفا می‌کنند. طبقه دوم این میدان، در طول چهار قرن گذشته، همواره به‌عنوان یک پیوست فضایی و بصری عمل کرده است؛ پیوستی که کارکرد آن بیش از آنکه عملیاتی و مصرفی باشد، هویتی و نمادین بوده است.

باین‌حال، سفر اخیر «برزین صرغامی»، مدیرعامل صندوق توسعه صنایع‌دستی، فرش دستباف و احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، به اصفهان و اعلام دستیابی به توافق نهایی برای اجرای یک طرح فرهنگی در بخشی از طبقه دوم میدان نقش جهان، بار دیگر این پرسش بنیادین را پیش روی افکار عمومی و جامعه تخصصی قرار داده است: آیا احیا، الزاماً به‌معنای بهره‌برداری است یا گاهی بهترین شکل حفاظت «دست نزد» است؟

تأیید نهایی در اتاق‌های کارشناسی؛ اجماع با تصمیم با یا؟
«امیر کرم‌زاده»، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان، در گفت‌وگو با «پایام ما» در توضیح روند طی‌شده برای تأیید این طرح، بر قانونی بودن فرایند و نقش نظارتی صندوق احیا تأکید می‌کند. به‌گفته او، صندوق توسعه صنایع‌دستی و احیا، طبق قانون متولی نظارت بر مرمت و تغییر کاربری بناهای تاریخی است و واگذاری بخشی از طبقه دوم میدان نقش جهان به

بخش خصوصی، در همین چارچوب انجام شده است. کرم‌زاده می‌گوید: «طی حدود یک سال و نیم گذشته، این فضا برای اجرای یک فعالیت فرهنگی به سرمایه‌گذار واگذار شده و در این مدت، طرح پیشنهادی بارها در شورای فنی صندوق احیا، با حضور کارشناسان خبره میراث‌فرهنگی کشور، مورد بررسی قرار گرفته است.»

او تأکید دارد برخلاف برخی شائبه‌ها، این طرح نه به‌صورت شتاب‌زده، بلکه پس از برگزاری بیش از ۱۰ جلسه تخصصی و بازربینی‌های مکرر به تصویب رسیده است.

به‌گفته مدیرکل میراث‌فرهنگی استان اصفهان، آخرین جلسه شورای فنی با حضور اعضا در محل برگزار شده و پس از بازدید میدانی از طبقه دوم، محدوده اجرای طرح، یعنی فاصله میان مسجدجامع عباسی تا مسجد شیخ لطفالله، به‌طور مشخص تعیین شده است. قرار است عملیات مرمت این بخش از امروز و توسط بخش خصوصی آغاز شود؛ مرمتی که زیر نظر مستقیم صندوق احیا و با رعایت کامل ضوابط میراثی انجام خواهد شد.

کرم‌زاده همچنین از قرار گرفتن احیای فضاهای مجاور، از جمله کاروانسرای پشت مسجد شیخ لطفالله و مجموعه موسوم به نقش‌خانه، در دست‌ورکار خبری می‌دهد و می‌گوید هدف نهایی شکل‌گیری یک مجموعه کاملاً فرهنگی است، بدون هرگونه کاربری مغایر با شأن تاریخی میدان.

خط‌فرهزها کجاست؟ وعده‌های میراثی و دغدغه‌های اجرایی

یکی از مهم‌ترین محورهای تأکید مدیرکل میراث‌فرهنگی استان، تعیین خطوط قرمز در بهره‌برداری از طبقه دوم

میدان است. به‌گفته کرم‌زاده، بهره‌بردار حق هیچ‌گونه استفاده تأسیساتی مخرب، از جمله ایجاد زیرساخت‌های آبی یا کاربری‌هایی که به ساختار تاریخی آسیب بزند، ندارد. او تصریح می‌کند تمامی فعالیت‌های پذیرایی و خدماتی، در طبقه پایین و خارج از محدوده حساس طبقه دوم انجام خواهد شد و فضای فوقانی صرفاً به فعالیت‌های فرهنگی اختصاص می‌یابد.

از منظر متولیان طرح، طراحی مسیرهای ورود و خروج نیز به‌گونه‌ای انجام شده که حجم تردد کاملاً کنترل شود و تاب‌آوری بنای تاریخی در برابر فشار گردشگران، آسیب نبیند. حتی بازگشایی احتمالی طبقه دوم مسجد شیخ لطفالله نیز منوط به انجام مرمت‌های دقیق و تأمین شرایط حفاظتی عنوان می‌شود.

بااین‌حال، منتقدان می‌پرسند این وعده‌ها تا چه حد در عمل قابل‌تحقق است. تجربه‌های پیشین در اصفهان، از عالی‌قاپو تا چهل‌ستون، نشان داده فاصله میان مصویبات کاغذی و واقعیت میدانی، گاه بسیار عمیق است. پرسش اساسی اینجاست که چه سازوکاری برای نظارت مستمر، شفاف و پاسخگو، بر اجرای این طرح در نظر گرفته شده و درصورت بروز تخلف، چه نهادی قدرت توقف پروژه را خواهد داشت؟

هشدار کنشگران؛ وقتی احیا به تهدید بدل می‌شود

«مهدی جعفری نوگرایی»، کنشگر میراث‌فرهنگی، از زاویه‌ای کاملاً متفاوت به موضوع می‌نگرد. او در گفت‌وگو با «پایام ما» با ابراز تأسف از شنیدن خبر واگذاری طبقه

دوم میدان نقش جهان، تأکید می‌کند: «این فضا اساساً در تاریخ خود، کاربری مشخصی نداشته و همین «بی‌کاربری»، بخشی از هویت معماری و بصری میدان بوده است.»

به‌گفته جعفری، طبقه دوم میدان نقش جهان نه یک فضای خالی برای تعریف عملکرد جدید، بلکه یک عنصر مکمل در نظام تقارن، ریتم بصری و نقطه طلایی این میدان است. هرگونه تعریف کاربری، حتی با عنوان فرهنگی، به‌معنای مداخله در این نظام ظریف و تاریخی است.

او با اشاره به وضعیت طبقه دوم کاخ هشت‌بهشت که سال‌هاست به‌دلیل نبود نیروی حفاظتی بسته مانده، می‌پرسد نهادی که حتی توان حفاظت از فضاهای موجود را ندارد، چگونه قصد دارد فضایی به این حساسیت را به روی تردد عمومی بگشاید؟! جعفری معتقد است: «افزایش تردد در طبقه دوم میدان، خود یک آسیب بالقوه است؛ آسیبی که حتی با بهترین نیت‌ها نیز قابل انکار نیست.»

این کنشگر میراث‌فرهنگی همچنین عملکرد صندوق احیا در سال‌های گذشته را زیر سؤال می‌برد و خواستار ارائه گزارش شفاف از میزان موفقیت پروژه‌های واگذاری‌شده، محل هزینه‌کرد درآمدها و سرنوشت قراردادهای لغوشده می‌شود. به‌باور او، بیش از ورود به حساس‌ترین بنای ثبت جهانی کشور، لازم بود کارنامه صندوق در بناهای کم‌ریسک‌تر، به‌طور شفاف در معرض قضاوت افکار عمومی قرار گیرد.

میدان نقش جهان؛ سرمایه ملی یا فرصت سرمایه‌گذاری؟

جعفری نوگرایی تأکید می‌کند واگذاری بناهای متروکه و دور از شهر، مانند بسیاری از کاروانسراها، هرچند با نقدهایی همراه بوده، اما از منظر ضرورت حفظ بنا قابل‌توجه است. اما میدان نقش جهان، به‌عنوان اثر جهانی ثبت‌شده و قلب تاریخی، فرهنگی و هویتی ایران، در هیچ سطحی قابل‌قیاس با این بناها نیست.

او با اشاره به تجربه‌های ناموفق واگذاری اماکن تاریخی به بخش خصوصی، همچون واگذاری بخشی از کاخ عالی‌قاپو به بخش خصوصی، به‌عنوان کافی‌شاپ، یا واگذاری طبقه زیرین مسجد شیخ لطفالله و حتی محوطه کاخ چهل‌ستون، هشدار می‌دهد تبدیل فضاهای تاریخی شاخص به محل فعالیت بخش خصوصی، ولو با عنوان فرهنگی، به‌تدریج به تغییر ذائقه، تخریب منظر و تضعیف تجربه اصیل بازدیدکننده منجر می‌شود.

به‌گفته جعفری، گردشگری که از هزاران کیلومتر دورتر برای دیدن میدان نقش جهان به اصفهان می‌آید، انتظار مواجهه با یک تصویر اصیل تاریخی را دارد، نه چادرها، بازارچه‌ها و کاربری‌هایی که هیچ پیوست فرهنگی متناسبی ندارند. او می‌پرسد: «چه پیوست فرهنگی‌ای قوی‌تر از خود بازار تاریخی نقش‌جهان، با قدمتی ۶۰۰ساله، می‌تواند وجود داشته باشد؟»

این کنشگر میراث‌فرهنگی هشدار می‌دهد چندمدیریتی، نبود پاسخگویی شفاف و تقدم نگاه درآمدزایی بر حفاظت، می‌تواند سرنوشتی مشابه مسجدجامع اصفهان در میدان متقی و برخی دیگر از بناهای شاخص اصفهان را برای طبقه دوم میدان رقم بزند؛ سرنوشتی که بازگشت از آن ممکن نخواهد بود.

در مجموع، آنچه امروز درباره احیای بخشی از طبقه دوم میدان نقش جهان اصفهان در جریان است، صرفاً یک پروژه مرمتی یا فرهنگی نیست، بلکه آزمون جدی برای نظام حکمرانی میراث‌فرهنگی کشور به شمار می‌رود. آزمونی که نتیجه آن می‌تواند الگویی موفق از پیوند حفاظت و بهره‌برداری مسئولانه باشد یا نمونه‌ای دیگر از مداخلاتی که با نیت احیا آغاز می‌شود، اما در بلندمدت به تضعیف هویت تاریخی می‌انجامد.

پاسخ نهایی به این دوگانه، نه در مصویبات وعده‌ها، بلکه در شیوه اجرا، میزان شفافیت، استمرار نظارت و پایبندی عملی به اصول میراث‌فرهنگی روشن خواهد شد؛ اصولی که در میدان نقش جهان، بیش از هر جای دیگر، اهمیت و حساسیت دارند.

خبر |

فارس آماده اجرای پایلوت تمرکززدایی در وزارت میراث

اعتبارات در اختیار استان قرار دهد.»
او همچنین به مفاد تفاهم‌نامه‌های ابلاغی وزارتخانه اشاره کرد و گفت: «با وجود الزام به داشتن کد اختصاصی، تقاضا داریم در متن تفاهم‌نامه‌ها امکان استفاده از کسورلات نفتی قید شود تا در نهایت، کل بودجه پیش‌بینی‌شده پایلوت، مستحلیت‌های بیشتری را برعهده بگیرد و در برابر نهادهای نظارتی پاسخگو باشد.

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان فارس در ادامه به اقدامات «بهباد مریدی» در نشست شورای معاونان وزارت میراث‌فرهنگی در روز چهارشنبه، ۲۶ آذرماه، که با حضور «سیدرضا صالحی‌امیری»،

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و اعضای شورا در سالن فجر این وزارتخانه برگزار شد، با اشاره به مشکلات ناشی از کسری‌های بودجه‌ای منابع نفتی، خواستار حمایت و همراهی وزارتخانه برای حل این موضوع شد و افزود: «بحث مسئولیت‌های اجتماعی و اعتبارات مرتبط با نفت از دو سال گذشته مطرح بوده و طی دو ماه اخیر، پیگیری‌های گسترده‌ای برای رفع این مسئله انجام شده است. در این مسیر، تعاملات مؤثری با استانداری فارس، وزارت

میراث‌فرهنگی در حوزه اعتبارات استانی پرداخت و افزود: «اگرچه اعتبارات استانی تحت اختیار فرمانداران در مردادماه به پایان رسیده بود، اما با مکاتبات و پیگیری‌های انجام‌شده، درخواست بازنگری و صدور اصلاحیه مطرح شد و مشوق‌هایی نیز برای تحقق این امر در نظر گرفته شده است.»

او حضور در ازبکستان، گفت‌وگو با انجمن‌های دوستی ایران و کویت، تعامل با نهادهای فرهنگی چین و میزبانی هیئت ازبکستانی و تیم سرمایه‌گذاری چین با محوریت توسعه هتلینگ را از جمله این اقدامات برشمرد. مریدی در پایان با تأکید بر اهمیت تمرکززدایی از این منابع را فراهم‌کند. این موضوع از طریق شورای برنامه‌ریزی استان نیز در حال پیگیری است و درخواست ما این است که وزارت نفت فرصت بیشتری برای جذب و هزینه‌کرد این

| یادداشت |

تاریخ و طبیعت جاجریم

مقصدی برای گردشگران



اسید محمد رسول حسینی ا

اخرینگارا

شهرستان جاجریم در استان خراسان‌شمالی، یکی از مناطق باستانی و تاریخی ایران، به‌واسطه آثار ارزشمند تاریخی و فرهنگی، گنجینه‌ای از هویت و تاریخ سرتوزین ما را در دل خود جا داده است. این منطقه همواره مقصدی جذاب برای گردشگران، محققان و علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ بوده و با آثار باستانی و زیبا، ترکیبی خاص از تاریخ، فرهنگ و طبیعت را به نمایش می‌گذارد.

در بافت تاریخی شهر جاجریم ۳۸ بنای ثبتی وجود دارد که فراز و فرودهای تاریخ را در دل خود نگه داشته‌اند. این بناها از دوران ساسانیان تا دوره معاصر شامل مساجد، بقاع متبرکه، کاروانسراها و قلعه‌های نظامی هستند. مسجدجامع جاجریم

که قدمت آن به دوره خوارزمشاهیان برمی‌گردد؛ از نوع مساجد تک‌ایوانه است که به سبک خراسانی ساخته شده و به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و زیباترین مساجد استان همچنان مکانی برای برگزاری نمازهای جماعت و مراسم مذهبی است. قلعه‌هایی چون «قرلوقلعه جعدی» و «قلعه جعفر قلی‌خان» نمایانگر ساختارهای دفاعی قدیم جاجریم هستند که با عظمت و استحکامشان، داستان‌های بیشماری از گذشته را روایت می‌کنند.

کاروانسرای «رباط قلی» یکی از مهم‌ترین بناهای تاریخی منطقه است که به‌تازگی مرمت شده و به فهرست کاروانسراهای ایرانی در سازمان جهانی یونسکو راه یافته است.

این کاروانسرا مدت‌ها به‌عنوان مرکز تبادل کالا و مکان استراحت مسافران در مسیرهای تجاری مطرح بوده است.

میراث‌فرهنگی شهرستان جاجریم در سال‌های اخیر با توجه به ضرورت حفظ و نگهداری از آثار تاریخی خود، پروژه‌های مرمتی متعددی را آغاز کرده است و در سال جاری هم مرمت ۱۰ بنای تاریخی به پایان رساند. این فعالیت‌ها برای احیای هویت فرهنگی شهرستان در حال گسترش است. از جمله خانه تاریخی کاملی در روستای طبرک که بازسازی آن به‌عنوان یک نمونه از معماری سنتی و ایرانی اهمیت زیادی دارد، یکی از بناهای شاخص مرمت شده است. بنای «امامزاده محمود» در روستای کلاته ترک‌ها، که از نظر مذهبی و فرهنگی جایگاه خاصی در میان اهالی دارد هم یکی دیگر از این بناهاست.

حصار باغ و کارخانه پنبه، که هر دو نمونه‌هایی از تاسیسات مدرن و قدیم هستند و نشان‌دهنده رونق اقتصادی گذشته شهرستان هم دوباره احیا شده است. مرمت این بناها، به ویژه کاروانسرای «رباط قلی» نتیجه تلاش‌ها و همکاری‌های گسترده‌ای میان اداره‌کل میراث فرهنگی استان و استادکاران ماهر بوده که این پروژه‌های مرمتی، نه تنها به حفظ آثار کمک می‌کنند، بلکه به جذب گردشگران و تبلیغ فرهنگ محلی نیز کمک کرده و منجر به توسعه پایدار شهرستان جاجریم خواهد شد.

با وجود تمامی تلاش‌ها، چالش‌هایی نیز در زمینه حفاظت و مرمت بناهای تاریخی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به تخریب‌های ناشی از شرایط جوی، ساخت‌وسازهای ناهمسو با میراث‌فرهنگی و نیاز به تأمین اعتبارات کافی برای مرمت اشاره کرد.

اعتبارات موجود برای مرمت آثار تاریخی نیاز به چشم‌انداز بهتری دارند تا بتوانند به‌طور مؤثر در بازسازی و نگهداری این گنجینه‌ها هزینه شوند. با توجه به اینکه حفظ هویت فرهنگی و تاریخی باعث ایجاد جذابیت برای بازدیدکنندگان است، تبدیل نمایندگی میراث‌فرهنگی به اداره‌ای با ساختار مشخص و نیروی انسانی کافی، از ملزومات اساسی برای موفقیت در حفاظت از این آثار تاریخی در جاجریم به شمار می‌آید.

علاوه‌بر آثار تاریخی، جاذبه‌های طبیعی و زیست‌محیطی و فرهنگی، همچون منطقه حفاظت‌شده میاندشت (زیستگاه گونه نادر یوز آسیایی)، درختان کهنسال، شب‌های زیبا و ستاره‌باران کویر، همگی بر جذابیت جاجریم افزودند.

جاذبه‌های طبیعی جاجریم به‌همراه روستاهای بکر و تاریخی، نظیر جلگه‌های «سنخواست» و «شوقان»، به‌عنوان نقاطی برای رهایی از زندگی شهری و تجربه آرامش و زیبایی‌های طبیعی استختم می‌شوند. این ترکیب بی‌نظیر از تاریخ و طبیعت، شهرستان جاجریم را به مقصدی منحصربه‌فرد برای گردشگران تبدیل کرده است.

تلاش برای حفظ، مرمت و احیای بناهای تاریخی شهرستان جاجریم، نه تنها به حفظ هویت فرهنگی و تاریخی استان خراسان‌شمالی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند موجب رشد و توسعه گردشگری و اقتصادی شهرستان و استان هم باشد. بهبود شرایط اعتباری مرمت بناهای تاریخی و ارتقای نیروی انسانی متخصص، می‌تواند در آینده، جاجریم را به یکی از مقاصد گردشگری، گردشگران داخلی و بین‌المللی تبدیل کند.

خبر |

فارس آماده اجرای پایلوت تمرکززدایی در وزارت میراث

اعتبارات در اختیار استان قرار دهد.»
او همچنین به مفاد تفاهم‌نامه‌های ابلاغی وزارتخانه اشاره کرد و گفت: «با وجود الزام به داشتن کد اختصاصی، تقاضا داریم در متن تفاهم‌نامه‌ها امکان استفاده از کسورلات نفتی قید شود تا در نهایت، کل بودجه پیش‌بینی‌شده پایلوت، مستحلیت‌های بیشتری را برعهده بگیرد و در برابر نهادهای نظارتی پاسخگو باشد.

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان فارس در ادامه به اقدامات «بهباد مریدی» در نشست شورای معاونان وزارت میراث‌فرهنگی در روز چهارشنبه، ۲۶ آذرماه، که با حضور «سیدرضا صالحی‌امیری»،

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و اعضای شورا در سالن فجر این وزارتخانه برگزار شد، با اشاره به مشکلات ناشی از کسری‌های بودجه‌ای منابع نفتی، خواستار حمایت و همراهی وزارتخانه برای حل این موضوع شد و افزود: «بحث مسئولیت‌های اجتماعی و اعتبارات مرتبط با نفت از دو سال گذشته مطرح بوده و طی دو ماه اخیر، پیگیری‌های گسترده‌ای برای رفع این مسئله انجام شده است. در این مسیر، تعاملات مؤثری با استانداری فارس، وزارت

میراث‌فرهنگی در حوزه اعتبارات استانی پرداخت و افزود: «اگرچه اعتبارات استانی تحت اختیار فرمانداران در مردادماه به پایان رسیده بود، اما با مکاتبات و پیگیری‌های انجام‌شده، درخواست بازنگری و صدور اصلاحیه مطرح شد و مشوق‌هایی نیز برای تحقق این امر در نظر گرفته شده است.»

او حضور در ازبکستان، گفت‌وگو با انجمن‌های دوستی ایران و کویت، تعامل با نهادهای فرهنگی چین و میزبانی هیئت ازبکستانی و تیم سرمایه‌گذاری چین با محوریت توسعه هتلینگ را از جمله این اقدامات برشمرد. مریدی در پایان با تأکید بر اهمیت تمرکززدایی از این منابع را فراهم‌کند. این موضوع از طریق شورای برنامه‌ریزی استان نیز در حال پیگیری است و درخواست ما این است که وزارت نفت فرصت بیشتری برای جذب و هزینه‌کرد این

حفاظت یا حذف یکپارچگی؟

آزادسازی ۵۹ هکتار

از شهر تاریخی ارگان بهبهان



در سال‌های اخیر بارها با این استدلال مواجه شده‌ایم که اگر در بخشی از یک محوطه یا شهر تاریخی، آثار معماری شاخص به‌وضوح دیده نمی‌شود، می‌توان آن بخش را از شمول عرصه خارج کرد و به فعالیت‌های توسعه‌ای سپرد. تازه‌ترین نمونه این رویکرد، پیشنهاد آزادسازی حدود ۵۹ هکتار از عرصه مصوب شهر تاریخی ارگان است؛ آن‌هم با این وعده که پس از برداشت شن و ماسه، این پهنه به «سایت‌موزه» تبدیل شود. پریش ساده اما بنیادین این است؛ وقتی بستر تاریخی یک شهر باستانی از میان می‌رود، قرار است چه موزه‌ای شکل بگیرد؟



عباس مقدم

| باستان‌شناس |

ارگان یک محوطه منفرد یا لکه‌ای تصادفی از آثار باستانی نیست، بلکه یک شهر تاریخی است؛ شهری با ساختار، اندام‌های

شکاف زبانی چگونه به روایت‌های تازه ادبی می‌انجامد

مهاجرت و زبان چندپاره



علی ملازاده

| روزنامه‌نگار |

ادبیات مهاجرت به‌مثابه یکی از پیچیده‌ترین صورت‌بندی‌های ادبی معاصر، امکان تحلیل هم‌زمان زبان، هویت و تجربه زیسته را در بستری فراملی و چندلایه فراهم می‌کند. در این حوزه، زبان به‌عنوان سازوکار تولید سوژگی، بازآفرینی حافظه و میدان تقابل قدرت‌های فرهنگی و گفتمانی است.

تجربه مهاجرت، سوژه را از جایگاه تثبیت‌شده زبانی و فرهنگی جدا می‌کند و در وضعیت «میان‌بودگی» قرار می‌دهد؛ وضعیتی که در آن زبان مادری و زبان مقصد در رابطه‌ای تنش‌آلود، سیال و مذاکره‌پذیر قرار می‌گیرند. این وضعیت، آن‌گونه‌که «هوای بابا» در مفهوم «فضای سوم» تبیین می‌کند، نه به ادغام کامل می‌انجامد و نه به حفظ خالصانه هویت اولیه، بلکه به تولید فرم‌های هیبریدی از زبان و هویت منجر می‌شود که منطق دوگانه مرکز/ پیرامون را

رویارویی جشنواره «کرالا»

با دولت هند بر سر سانسور

پس از خودداری دولت مرکزی هند از صدور معافیّت سانسور برای ۱۹ فیلم منتخب، تنش میان دهلی‌نو و دولت ایالتی کرالا بر سر سی‌امین جشنواره بین‌المللی فیلم «کرالا» شدت گرفت. دولت ایالتی کرالا به برگزاریکنندگان جشنواره دستور داده است تمامی نمایش‌ها، برخلاف تصمیم دولت مرکزی، طبق برنامه ادامه یابد. این اختلاف پس از آن شکل گرفت که وزارت اطلاعات و پخش سراسری هند از اعطای مجوز نمایش بدون سانسور به ۱۹ فیلم حاضر در جشنواره خودداری کرد؛ تصمیمی که به اختلال چندروزه در روند برگزاری این رویداد سینمایی در شهر «تیرووانانتاپورام» پایتخت کرالا، انجامید. این اقدام با واکنش‌های گسترده سیاسی و فرهنگی مواجه شد و منتقدان آن را تهدیدی علیه استقلال هنری جشنواره می‌دانند. «ساجی چیران»، وزیر فرهنگ ایالت کرالا، این تصمیم را «دخالّت غیرووجه و ضددموکراتیک» در امور فرهنگی ایالت توصیف کرد و بر لزوم ادامه نمایش فیلم‌ها تأکید داشت. هم‌زمان، نماینده پارلمان هند از حوزه تیرووانانتاپورام نیز بیان وضعیت را بحرانی بی‌سابقه خواند که پرسش‌های جدی درباره سانسور سانسور سینمایی در هند ایجاد کرده است. فیلم‌های رده‌شده طیف متنوعی از آثار سیاسی، تاریخی و کلاسیک را شامل می‌شوند؛ از جمله چند فیلم فلسطینی، شاهکار صامت «زمن‌او پوتکمکین» اثر سرگئی آیزنشتاین و آثار آری از عبدالرحمن سیساکو، الیسا



عاطفه و تجربه پیش‌زبانی پیوند می‌خورد. این زبان، حامل خاطره‌های فردی و جمعی است و به‌مثابه محصول زندگی در دو یا چند بستر فرهنگی و اجتماعی، زبان مقصد معمولاً با منطق بقا، انطباق اجتماعی و دسترسی به عرصه عمومی پیوند دارد.

این دوگانگی، سوژه مهاجر را در وضعیت دائمی ترجمه قرار می‌دهد؛ وضعیتی که «والتر بنیامین» آن را، تعلیقی و گشودگی معنا می‌داند.

خودترجمه‌گری نویسندگان مهاجر از متن خودشان به زبان مقصد، شکلی از باززویسی هویت است که در آن متن، زبان و سوژه هم‌زمان دگرگون می‌شوند. در این موقعیت، ترجمه به‌جای آنکه معنا را تثبیت کند، شکاف‌های زبانی و فرهنگی را آشکار می‌سازد و به متن در زبان‌های مختلف امکان بقا می‌دهد. ساختارهای روایی در ادبیات مهاجرت نیز به‌شدت تحت‌تأثیر این وضعیت زبانی و روانی قرار دارند. روایت‌های غیرخطی، گسسته و چندصدایی بازتابی از تجربه زمانی مهاجر هستند؛ تجربه‌ای که در آن گذشته، حال و آینده درهم‌تنیده می‌شوند. فلش‌بک‌ها، فلش‌فورواردها، مونولوگ‌های درونی و جریان سیال ذهن، ابزارهایی برای بازنمایی ذهنیتی‌اند که در میان مکان‌ها، زبان‌ها و خاطره‌ها معلق مانده است.

«زولیا کریستوا» با مفهوم «بیگانگی درونی» نشان می‌دهد سوژه مهاجر نه‌تنها در جامعه میزبان، بلکه

باین‌حال، استدلال اصلی برای آزادسازی ۵۹ هکتار از این عرصه، بر نتایج گمانه‌زنی‌هایی استوار شده که در بخشی از این محدوده، شواهد باستان‌شناختی کمتری را نشان داده‌اند. این استدلال در ظاهر فنی و متکی بر داده‌های میدانی است، اما درواقع از یک خطای مفهومی جدی رنج می‌برد. گمانه‌زنی ابزار شناخت لایه‌ها و ارزیابی وضعیت بسترهای باستان‌شناسی است، نه معیاری برای نفی ماهیت شهری یک پهنه. نبود یا کمبود شواهد در برخی گمانه‌ها، به‌ویژه در محوطه‌هایی با سابقه طولانی تخریب، به‌هیچ‌وجه به‌معنای بی‌ارزشی تاریخی آن بخش نیست.

حتی در همین گزارش‌ها نیز تصریح شده است دلیل فقدان پدیده‌های باستان‌شناختی در بخش‌هایی از محدوده مورد بحث، ساخت‌وسازهای گسترده و دخل‌وتصرف‌های چند دهه گذشته است. به بیان ساده‌تر آنچه امروز به‌عنوان «فضای کم‌اثر» معرفی می‌شود، محصول تخریب‌های پیشین است، نه نشانه فقدان تاریخ. در چنین شرایطی، آزادسازی عرصه نه راه‌حل، بلکه نوعی پاداش دادن به تخریب است؛ منطقی که اگر پذیرفته شود، می‌تواند به‌راحتی به الگویی خطرناک برای سایر شهرها و محوطه‌های تاریخی کشور بدل شود.

طرفداران این طرح، وعده تبدیل محدوده آزادشده به سایت‌موزه را به‌عنوان تضمینی برای حفاظت مطرح می‌کنند. اما اینجاست که تناقض اصلی خود را نشان می‌دهد. سایت‌موزه زمانی معنا دارد که بر بستر سالم یک اثر شکل گیرد و امکان درک رابطه میان اجزا را برای مخاطب فراهم کند. وقتی بستر تاریخی با برداشت شن و ماسه دگرگون یا حذف می‌شود، آنچه باقی می‌ماند «سایت‌موزه» نیست، بلکه یادمانی از یک مداخله مخرب است. نمایش عکس‌ها، تابلوها یا اشیای پراکنده، جایگزین تجربه مواجهه با یک شهر تاریخی زنده و یکپارچه نخواهد شد.

تجربه‌های پیشین در ارگان و دیگر محوطه‌های خوزستان به‌روشنی نشان داده‌اند برخورد گزینشی با عرصه‌های تاریخی، چه پیامدهایی به‌دنبال دارد. هر بار که بخشی از یک محوطه به‌بیانه توسعه، سدسازی، فعالیت صنعتی یا عمرانی از پیکره اصلی جدا شده، نه‌تنها آن بخش، بلکه امکان فهم کلیت اثر نیز برای همیشه از دست رفته است. این تجربه‌ها امروز باید

نسبت به خویش‌نیز تجربه «غریبگی» دارد. این وضعیت در سطح زبان، به‌شکلی از ناپایداری معنایی و گسست روایی منجر می‌شود که ویژگی باز بسیاری از متون مهاجرت است.

نوآوری زبانی یکی دیگر از وجوه این ادبیات است. نویسندگان مهاجر برای بیان تجربه‌هایی که در زبان میعار نام‌گذاری نشده‌اند، به خلق نواژگان، ترکیب‌های زبانی تازه و دگرگونی نحو دست می‌زنند. این فرایند، نشان‌دهنده ناپایداری دال و تعویق دائمی معناست. زبان در این متون، همواره در حال «شدن» است و از تثبیت کامل می‌گریزد.

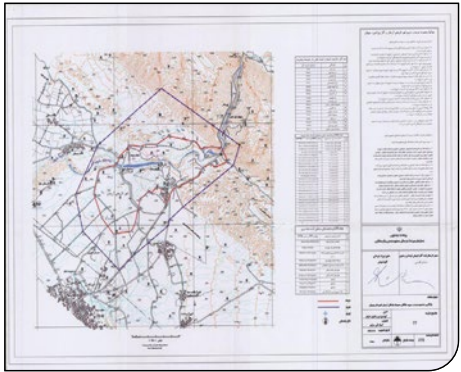
از منظر قدرت و ایدئولوژی، زبان دوم در ادبیات مهاجرت اغلب با سازوکارهای کنترل، طرد و نابرابری پیوند دارد. تسلط ناصح بر زبان مقصد می‌تواند به حذف اجتماعی، سکوت اجباری یا تقلیل سوژه به کلیشه‌های فرهنگی بینجامد. در مقابل، حفظ یا بازگشت به زبان مادری، شکلی از مقاومت نمادین است که امکان بازسازی سوژگی را فراهم می‌کند. این مقاومت، به‌معنای نفی زبان مقصد نیست، بلکه در بسیاری از موارد، از طریق بازی زبانی، چندصدایی

به‌عنوان دانش انباشته‌شده دستگاه میراث‌فرهنگی عمل کنند، نه اینکه دوباره، این‌بار با ادبیاتی آراسته‌تر تکرار شوند.

نکته مهم دیگر آن است که شهرهای باستانی الزماً در تمام پهنه خود دارای تراکم یکنواخت آثار معماری نیستند. وجود فضا‌های باز زمین‌های کشاورزی وابسته، مسیرهای آبرسانی و بخش‌هایی با کاربردهای غیرمسکونی، جزئی طبیعی از ساختار شهری در دوره‌های تاریخی مختلف است. همان‌گونه‌که حتی وجود بقایای قنات‌های تاریخی در برخی‌هایی از محدوده مورد بحث، خود نشانه‌ای روشن از اهمیت و نقش آن پهنه در سازمان فضایی شهر ارگان است. انتظار یافتن دیوار و بنا در هر نقطه از یک شهر باستانی، انتظاری نادرست و برخاسته از درکی سطحی از شهرنشینی تاریخی است.

درنهایت، مسئله اصلی فراتر از یک اختلاف نظر کارشناسی یا یک پروژه محلی است. آزادسازی ۵۹ هکتار از عرصه مصوب شهر تاریخی ارگان، به‌معنای ایجاد شکافی در پیکره یک شهر باستانی و خدشه‌دار کردن اصل بنیادین یکپارچگی آن است. اگر این تصمیم به‌عنوان یک «راه‌حل» پذیرفته شود، فردا می‌توان هر بخش دیگری را نیز صرفاً به این دلیل که کمتر دیده می‌شود یا پیش‌تر تخریب شده، از عرصه خارج کرد.

حفاظت از میراث‌فرهنگی، به‌ویژه در مورد شهرهای تاریخی، نه با کوچک‌سازی عرصه‌ها و پاک‌کردن صورت‌مستله، بلکه با احترام به ضوابط مصوب، پذیرش تجربه‌های تلخ گذشته و پرهیز از تصمیم‌های کوتاه‌مدت ممکن است.



و ترکیب‌شدن زبان‌ها تحقق می‌یابد. وضعیتی که در آن، زبان به میدان اصلی منازعه میان «هژمونی» و «عالمیت» بدل می‌شود.

ادبیات مهاجرت همچنین نقش مهمی در شکل‌دهی حافظه جمعی بوم‌رانندگان ایفا می‌کند. روایت‌های مهاجرت، تجربه‌های فردی را به سطحی جمعی ارتقا می‌دهند و امکان بازشناسی مشترک را، برای سوژه‌های پراکنده فراهم می‌آورند.

زبان در این فرایند، علاوه‌بر اینکه ابزار روایت است، موضوع روایت نیز به‌حساب می‌آید. تجربه فقدان زبان مادری، فراموشی اجباری یا دگرگونی معنا، به بخشی از محتوای روایی تبدیل می‌شود و نشان می‌دهد مهاجرت همواره با نوعی سوگ زبانی همراه است. این سوگ، درعین‌حال، می‌تواند به خلاقیت ادبی و تولید فرم‌های جدید بیان منجر شود.

در مجموع، ادبیات مهاجرت عرصه‌ای است که در آن زبان، هویت و قدرت به‌طور جدایی‌ناپذیر در هم تنیده‌اند. تحلیل این متون با اتکا به نظریات پسااستعماری و نشانه‌شناختی نشان می‌دهد زبان در تجربه مهاجرت، میدانی پویا برای مذاکره معنا، بازتولید هویت و مقاومت فرهنگی است. ادبیات مهاجرت با به چالش کشیدن مرزهای زبانی و روایی، امکان بازاندیشی مفاهیم ثبات، تعلق و هویت را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد سوژه معاصر همواره در حال «ترجمه خویشتن» است.

گرمایش بی‌سابقه قطب شمال

دانشمندان همچنین از پدیده‌ای تازه سخن می‌گویند: «بازتعریف زمستان». گرمای غیرمعمول که پیش‌تر عمدتاً در تابستان دیده می‌شد، اکنون به زمستان نیز نفوذ کرده است. این موضوع چرخه طبیعی رشد یخ‌های دریایی را مختل کرده و باعث شده است حتی در سردترین ماه‌های سال نیز یخ به‌اندازه گذشته شکل نگیرد. به‌گفته پژوهشگران، در هفته‌های اخیر وسعت یخ دریایی به کمترین سطح تاریخی خود رسیده و احتمال می‌رود سال آینده نیز رکوردی تازه در کاهش یخ‌ها ثبت شود.

پيامدهای این تغییرات در قطب شمال نمی‌ماند. با ذوب یخ‌های دریایی، سطح وسیعی از اقیانوس تیره نمایان می‌شود که گرما را جذب می‌کند و به تشدید گرمایش جهانی دامن می‌زند. از سوی دیگر، ذوب یخچال‌های زمینی – به‌ویژه در گرینلند – مستقیماً سطح آب دریاها را بالا می‌برد. فقط در سال ۲۰۲۵، صخه یخی گرینلند ۱۲۹ میلیارد تن یخ از دست داده است؛ رقمی که تهدیدی جدی برای شهرهای ساحلی در سراسر جهان به‌شمار می‌رود.

افزون‌بر خطر بالا آمدن سطح دریاها، تغییر اقلیم در قطب شمال الگوهای زیستی و اقتصادی را نیز دگرگون کرده است. دگرگونی زیست‌بوم‌های دریایی، شیلات منطقه را تحت‌تأثیر قرار داده و به افزایش قیمت غذاهای دریایی در بازارهای جهانی انجامیده است. ازاین‌رو، به‌گفته دانشمندان، تصور قطب شمال به‌عنوان منطقه‌ای دورافتاده و بی‌ارتباط با زندگی روزمره انسان‌ها، تصوری نادرست است.

در مجموع، گزارش جدید NOAA هشدار جدی درباره شتاب بحران اقلیمی می‌دهد. آنچه امروز در قطب شمال رخ می‌دهد، پیش‌نمایشی از تغییراتی است که می‌تواند در مقیاس جهانی گسترش یابد. به تعبیر پژوهشگران، قطب شمال نه‌تنها در حال گرم شدن است، بلکه ماهیت فصل‌ها، به‌ویژه زمستان، در آن در حال دگرگونی بنیادین است؛ دگرگونی‌ای که پیامدهایش دیر یا زود به همه نقاط جهان خواهد رسید. آگاردین



کاربردها و چالش‌های

هوش مصنوعی در

شهرسازی ایران



اسولماز حسینیون

| پژوهشگر شهری |

هوش مصنوعی به تب جدید در جهان و ایران بدل شده است. متخصصان و مردم ایران همواره مشتاق ایده‌های جدید و روندهای جدید بوده هستند، اما متأسفانه این گرایش مانند سایر تب‌های موجود فقط در حد شعار و کارکردهای سطحی بدون توجه به تبعات و ابعاد مختلف آن است.

در مرکز چشم‌انداز معاصر شهری هوش مصنوعی، تأکید فرآیندهای بر بومی‌سازی داده و پیگیری حاکمیت داده‌ها وجود دارد. بلاش ملت‌هاوشهرها برای کنترل بیشتر زیرساخت‌های هوش مصنوعی، چندین اقدام ژئوپلیتیک در حال تجزیه است و دولت‌های ملی اکوسیستم‌های فناورانه مستقلی ایجاد کرده و برای سرمایه‌گذاری در مراکز داده محلی و کارخانه‌های هوش مصنوعی سرعت بخشیده‌اند. داده‌ها به دارایی راهبردی تبدیل شده‌اند که دستورکارهای حاکمیتی را تقویت می‌کنند و زمینه‌ساز تأمین امنیت و پدافند غیرعامل هستند. این فرایند، پرسش‌های اساسی درباره ادعاهای متعارض حاکمیت دیجیتال، بومی و جهانی و همچنین تأثیرات محیط‌زیستی توسعه پرمصرف هوش مصنوعی برمی‌انگیزد. امروزه، حاکمیت داده‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ زیرا تعیین می‌کند چه کسی حق کنترل دانش، استفاده از منابع و شکل‌دهی به آینده شهرها را دارد و نیاز به حکمرانی و همکاری قوی برای مدیریت مؤثر و عادلانه داده‌ها را د شهرها برجسته می‌سازد.

امروزه بحث داده‌ها و مالکیت آنها از مهمترین مباحث امنیتی در سطح کشورها است. یکی از مهمترین اقدامات در کشورها و حتی سازمان‌هایی مانند دانشگاه‌ها، تدوین آیین‌نامه‌هایی برای مدیریت و حکمرانی هوش مصنوعی و حفاظت از داده‌ها است.

در این شرایط متأسفانه ابزارهای هوش مصنوعی برای متخصصان شهرسازی کشور ما به برکت انحطوقی می‌انجام پروژه‌ها و کارهای تخصصی تبدیل شده است. به‌عبارت دیگر از روند رایج کپی‌کردن کارهای سایرین و پروژه‌های شهرهای دیگر (چه داخلی و چه خارجی) به برون‌سپاری انجام کارها و پروژه‌ها به هوش مصنوعی رسیده‌ایم. درحالی‌که انجام هرکاری در محیط هوش مصنوعی به‌معنای خوراک‌رسانی داده‌ای و در دسترس قراردادن داده‌ها در اختیار سیستم‌های بین‌المللی است. مسئله این است که این مدل‌ها باید در حد کمک‌رسان متخصصان باقی بمانند و تفکر و تحلیل باید همچنان وظیفه کسانی باشد که جامعه به آنها برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اعتماد می‌کند.

هوش مصنوعی در محیط مصنوع و برنامه‌ریزی شهری شامل زیرساخت‌ها و اکوسیستم‌های دیجیتال است و دیگر متغعل یا صرفاً خودکار نیست؛ بلکه به‌شکل ابزاری هوشمند و مستقل مانند پهلوها، ربات‌ها و وسایل نقلیه خودران در می‌آید که در بستر شهری یاد می‌گیرد و تکامل می‌یابد. این تغییر، گذار از الگوهای پیشین «شهر هوشمند» را نشان می‌دهد، شهرها به‌سوی هوش مصنوعی عامل پیش می‌روند که محیط مصنوع را در بر می‌گیرد و شیوه‌های جدید و پیچیده‌ای برای مدیریت، برنامه‌ریزی و ارائه خدمات شهری ایجاد می‌کند.

تغییرات مبتنی‌بر هوش مصنوعی در شهرها، نشان‌دهنده فاصله‌گیری از الگوهای پیشین «شهر هوشمند» است؛ زیرا به‌سوی هوش‌های دارای عملیت که رأساً قابلیت تصمیم‌گیری دارند، حرکت می‌کند و می‌تواند شیوه‌های حکمرانی، برنامه‌ریزی و ارائه خدمات را به روش‌هایی جدید و پیچیده تحت‌تأثیر قرار دهد. پس، در هر جامعه هوش مصنوعی نیازمند مدل‌های تازه‌ای از هماهنگی و همکاری میان‌دی‌نفعان متعدد است تا هم‌سویی با ارزش‌ها و نیازهای همان جامعه تضمین شود.

از سوی دیگر یکی دیگر از چالش‌های توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی در شهرها با ساخت مراکز داده بزرگ و پرهزینه همراه شده است که به‌طور قابل‌توجهی منابعی مانند آب و برق را مصرف می‌کنند. برای مثال براساس پیش‌بینی‌ها، تا سال ۲۰۳۵، مراکز داده مرتبط با هوش مصنوعی ممکن است تا ۲۵ درصد از آب آشامیدنی شهر سیدنی را مصرف کنند، که نگرانی‌هایی جدی در مورد منابع شهری به وجود آورده است. مراکز داده‌ای جدید در مناطق صنعتی قدیمی جایگزین زیرساخت‌های سنتی، می‌شوند و اکنون به زیربنای فیزیکی استخراج داده تبدیل شده‌اند. این مراکز باعث رقابت میان «حاکمیت هوش مصنوعی» و دیگر شکل‌های حاکمیت شهری مثل حقوق آب و انرژی شده‌اند و تأثیرات وسیعی بر محیط‌زیست و مدیریت منابع شهری دارند و می‌توانند برپایداری سزومین‌ها تأثیر منفی بگذارند.